

## ترجمه



## چرانانیاھو

## ناچار به پذیرش آتش بس تحمیلی شد؟

وب‌سایت آمریکایی «المانیور» مقاله‌ای منتشر کرده است و به سه انگیزه اصلی می‌پردازد که رژیم اسرائیل را پس از دوازده روز جنگ با ایران، وادار به پذیرش آتش‌بس کرد.

در این مقاله آمده است: تحلیلگران می‌گویند تصمیم نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، برای متوقف‌کردن کارزار نظامی اسرائیل در ایران بر اساس توافق آتش‌بسی که با میانجی‌گری رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ حاصل شد، ناشی از ترکیبی از ملاحظات عملیاتی، فشار ایالات متحده و ضعف سیاسی داخلی است، حتی در حالی‌که مقامات اسرائیلی مدعی‌اند اهداف اصلی عملیات محقق شده‌اند.

## ملاحظات عملیاتی

با وجود ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر اینکه جنگ به اهداف اصلی خود دست یافته، تحلیل‌گران بر این باورند که ملاحظات عملیاتی انگیزه اول اسرائیل برای پایان دادن به جنگ بوده است. سیما شاین، پژوهشگر ارشد در «مؤسسه مطالعات امنیت ملی» می‌گوید: «از همان آغاز به نظری رسید که طراحان اسرائیلی یک کارزار نظامی برق‌آسا را تصور کرده بودند که بیش از دو هفته طول نکشد و تمرکز آن بر ضربه‌زدن به توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی ایران باشد، نه یک جنگ فرسایشی بلندمدت.»

با این حال، آتش‌بس پس از ۱۲روز درگیری حاصل شد؛ یعنی اندکی کمتر از زمانی که انتظار می‌رفت. شاین می‌افزاید: «در این جنگ، رویکرد اسرائیل با آنچه در جنگ‌های غزه یا لبنان دیده‌ایم بسیار متفاوت بود. با وجود تحقق اغلب اهدافی که دولت تعیین کرده بود، نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران ناممکن به نظر می‌رسد.»

او تأکید می‌کند، این محدودیت از آغاز تنش‌ها در تاریخ ۱۳ژوئن آشکار بود. یک منبع دیپلماتیک اسرائیلی به «المانیور» گفته است که با متوقف‌شدن پیشروی در میدان، اسرائیل آتش‌بس را پذیرفت.

## فشار ایالات متحده

با آن که اسرائیل قصد داشت عملیات را ظرف دو هفته به پایان برساند، اما تصمیم به آتش‌بس تحت فشار آشکار دولت رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ اتخاذ شد. برای واشنگتن، حملات محدود ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای در فردو، نطنز و اصفهان با هدف از کار انداختن سریع برنامه هسته‌ای ایران و جلوگیری از گسترش تنش به یک جنگ منطقه‌ای وسیع‌تر انجام شد. از این رو، مذاکره برای دستیابی به آتش‌بس، ضروری‌فوری برای مهار اوضاع به‌شمار می‌رفت. ترامپ این حمله آمریکایی را موفق و محدود دانست، حمله‌ای که به او اجازه داد یک دستاورد نظامی به‌دست آورد بدون آنکه درگیر یک جنگ گسترده شود.

در چنین شرایطی، نتانیاهو چاره‌ای جز پذیرش پیشنهاد آمریکا نداشت. ساعت‌های پس از اعلام آتش‌بس، میزان تأثیرگذاری مستقیم ایالات متحده بر تصمیم اسرائیل را به‌خوبی نشان داد.

## سیاست داخلی

سومین عامل در تصمیم نتانیاهو برای پذیرش آتش‌بس، وضعیت متزلزل سیاسی داخلی او بود. گرچه او توانست از رأی عدم اعتماد که از سوی جریان راست افراطی مذهبی، عمدتاً به‌دلیل موضوع خدمت اجباری برای حردی‌ها- مطرح شده بود جان سالم به در ببرد، اما همچنان با تنش سیاسی و نارضایتی گسترده مردمی روبه‌رو بود. با وجود وضعیت متزلزل نتانیاهو در خلال بحران، جایگاه او پس از پایان جنگ بهبود یافت. با این حال، احتمال می‌رود این حمایت مردمی موقتی باشد. حملات ایران منجر به کشته‌شدن ۲۸ اسرائیلی، زخمی شدن بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر، آوارگی هزاران تن و تعطیلی فضای هوایی شد که در نتیجه آن، حدود ۱۰۰ هزار اسرائیلی در خارج از کشور گرفتار شدند. اقتصاد نیز فلج شده و معلوم نیست این وضعیت تا چه زمانی قابل تحمل خواهد بود.

نیلسن هوروویس، رئیس پیشین حزب «مرتس»، به «المانیور» گفت: «اسرائیل دو سال است که در وضعیت جنگی در غزه به‌سر می‌برد و جامعه تحت فشار دائمی قرار دارد.»

او اشاره کرد حمایت‌های هردمی‌ای که در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد، ممکن است بازتاب‌دهنده احساسات واقعی میلیون‌ها اسرائیلی نباشد که دوازده روز را در پناهگاه‌ها سپری کردند.

نتانیاهو احتمالاً به این نتیجه رسیده که پایان دادن به جنگ در این لحظه، در حالی که هنوز از حمایت مردمی قابل‌انگیزی برخوردار نشده، بهتر از ادامه جنگ و مواجهه با ریزش محبوبیت در آینده است. روزنامه «معارو» گزارش داد که نتانیاهو به برگزاری انتخابات دهم، «بازگرداندن اسرا و پایان دادن به درگیری»؛ فشارها بر نتانیاهو برای رسیدن به یک توافق جامع رو به افزایش است. ترامپ همچنان فشار می‌آورد و قطر و مصر نیز نقش میانجی میان طرفین را ایفا می‌کنند.

## تداوم جنگ در غزه

پس از پذیرش آتش‌بس با ایران، رهبر اپوزیسیون، یائیر لاپید خواستار پایان جنگ در غزه نیز شد. او گفت: «زمان آن رسیده که به جنگ در آنجا هم پایان دهیم.» یازگرداندن اسرا و پایان دادن به درگیری؛ فشارها بر نتانیاهو برای رسیدن به یک توافق جامع رو به افزایش است. ترامپ همچنان فشار می‌آورد و قطر و مصر نیز نقش میانجی میان طرفین را ایفا می‌کنند.



## بررسی پیامدهای واکنش ایران به تجاوز اسرائیل و چشم انداز آتش بس

## معادلات نظامی تغییر کرد

## سیاست خارجی

حوزه‌های اقتصادی، انرژی و امنیتی روابط نسبتاً فعالی دارد.

همین وضعیت، دوحه را در جایگاهی منحصر به فرد قرار داد.

مقام‌های قطری طی ۴۸ ساعت با هر دو طرف تماس داشتند که نتیجه، یک آتش بس بود تا در نتیجه آن، ایران و اسرائیل حملات خود را متوقف کنند. در پی این آتش بس، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی اعلام کرد: «ما با حسن نیت، پاسخ مثبت دادیم. اما اصل اول این است که آیا طرف متجاوز اصلاً توان پابندی دارد یا نه؟»

## آمریکا و مسأله آتش بس

اما کارشناسان نظامی و دیپلماتیک بر این باورند که آتش‌بس فعلی، بیش از آنکه محصول یک توافق پایدار باشد، نتیجه بازآزدگی موشکی ایران و ملاحظات سیاسی در تل‌آویو و واشنگتن است.

با این حال، منطقه همچنان بر لبه

پیشگیری از دور تازه تنش‌ها، گفت‌وگو و گوی مستقیم تهران و واشنگتن است، گفت‌وگوی که باید از چهارچوب صرفاً هسته‌ای فراتر رود و به نوعی قاهره امنیتی منطقه‌ای منجر شود.

اما در این معادله، پای بازیگران دیگری هم در میان است. ولی نصر با اشاره به وضعیت سیاسی داخلی آمریکا می‌گوید که ترامپ، بیش از همیشه به یک دستاورد دیپلماتیک نیاز دارد. به باور او، حفظ آتش بس فعلی، برگ برنده‌ای است که ترامپ نمی‌خواهد به راحتی از دست بدهد. با این حال، موانعی نیز در مسیر ترامپ وجود دارد: مهم‌ترین آن، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو به شمار می‌رود.

نصر هشدار می‌دهد که نتانیاهو برای حفظ جایگاه داخلی‌اش، ممکن است با دست زدن به اقدامات تحریک‌آمیز، مسیر دیپلماسی را تخریب کند.

تبغ قرار دارد. چه تحلیلگران هشدار می‌دهند اگر یکی از طرف‌ها تصور کند که طرف مقابل در حال بازسازی یا افزایش قدرت تهاجمی است، احتمال شعله‌ور شدن دوباره درگیری بسیار بالاست.

«ولی نصر» از تحلیلگران سیاست خارجی ایران و آمریکا در تحلیلی تازه می‌گوید: «ما در میانه یک آتش بس ناپایدار هستیم، نه صلح». به گفته او، یکی از موانع اصلی در مسیر تثبیت صلح، تداوم سوءظن اسرائیل نسبت به برنامه هسته‌ای ایران است. «نصر با یادآوری هشدارهای تل‌آویو می‌گوید: «اسرائیل بارها اعلام کرده اگر برنامه هسته‌ای ایران دوباره فعال شود، خود را محق می‌داند که وارد عمل شود.» از نگاه او، تا زمانی که هیچ توافقی میان تهران و واشنگتن حاصل نشده باشد، انگیزه ایران برای بازسازی ظرفیت‌های هسته‌ای‌اش بابرجا خواهد ماند.

نصر تأکید می‌کند که تنها راه

داخلی، ارتقای حفاظت از زیرساخت‌ها، افزایش همکاری‌های بین‌المللی و شروع سازی حق دفاع از خود در چهارچوب منشور سازمان ملل. در وضعیت ژئوپلیتیکی کنونی که می‌توان آن را «آتش بس نانوخته» میان ایران و اسرائیل نامید، حفظ ثبات و پیشگیری از بازگشت به چرخه درگیری، مستلزم راهبردی چندبعدی است. آتش‌بس موجود فاقد ضمانت‌های کلاسیک نظیر کمیته ناظر، نیروهای حافظ صلح یا سند مکتوب الزام‌آور است و تنها بر نوعی «پذیرش دوقانگه» استوار است: توقف حمله از یک سو و عدم پاسخ متقابل از سوی دیگر. در چنین شرایطی، پایایی این وضعیت به چیزی فراتر از صرفاً قدرت نظامی نیاز دارد.

## تهدیدات چندمنشأ: پاسخ چندسطحی

هیچ تضمینی وجود ندارد که تهدید بعدی از مرزهای نظامی آغاز شود. تجربه تاریخی ایران در دو دهه گذشته نشان داده است که جنگ‌های نوین تنها در میدان نبرد خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه در سطوح زیرساختی، اطلاعاتی، سایبری، دیپلماتیک و حتی روانی شکل می‌گیرند. به همین دلیل، بازآزدگی مؤثر در شرایط فعلی، نیازمند ارتقای هم‌زمان ظرفیت‌های امنیتی، اطلاعاتی و دیپلماتیک است.

در حوزه امنیتی، ایران باید به‌طور نظام‌مند ساختارهای دفاعی غیرعامل، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی (به‌ویژه در حوزه انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل) و سامانه‌های هشدار سریع را توسعه دهد. در کنار آن، در بعد اطلاعاتی، شناسایی و مهار شبکه‌های نفوذ، خرابکاری و جاسوسی باید در دستور کار نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد، چراکه تهدیدات جدید، بیش از

که طرف مقابل به‌ویژه اسرائیل از تکنیک‌هایی چون خرابکاری امنیتی، جنگ ترکیبی، جنگ شناختی، عملیات ریزپرنده‌ها و نفوذ در لایه‌های مختلف اجتماعی بهره می‌برد. بنابراین ایران باید در مواجهه با این سناریوی امنیتی ال‌ترناتیو خود را داشته باشد.

بنابراین از این پس، کارزار ایران باید در دو محور ادامه یابد: نخست، مقابله مؤثر با نفوذ و خرابکاری داخلی از طریق افزایش ضربه امنیتی پیرامون زیرساخت‌های حیاتی؛ دوم، بازیگری فعال در عرصه دیپلماسی چندجانبه با تمرکز بر ائتلاف‌سازی و بازتعریف هزینه‌های متقابل برای دشمن. تقسیم ریسک با دیگر بازیگران منطقه‌ای، تشکیل اتحادهای امنیتی و نیز ارسال سیگنال‌های شفاف به طرف آمریکایی به‌ویژه با توجه به نقش تعیین‌کننده دونالد ترامپ در حفظ وضعیت فعلی از جمله ضرورت‌های این مرحله‌اند.

## سناریوهای پیش رو

- **سناریوی جنگ فرسایشی:** اگر اسرائیل تصمیم به تکرار حملات و تداوم درگیری‌ها بگیرد، ممکن است جنگی با ضرباهنگ پایین اما گسترده و طولانی مدت شکل بگیرد؛ مشابه تجربه‌هایی که در لبنان، غزه یا سوریه دیده شده است.

- **سناریوی جنگ نیابتی-داخلی:** اسرائیل از طریق گروه‌های خرابکار یا قومیتی تلاش کند مناطقی از ایران را بی‌ثبات کرده و با اعمال پرواز ممنوع و حمایت میدانی، دولت مرکزی را درگیر در جنگ داخلی کند.

- **سناریوی مهار دیپلماتیک و بازآزدگی ترکیبی:** سناریویی که ایران دنبال می‌کند: تقویت امنیت

با گذشت چند هفته از درگیری مستقیم و بی‌سابقه میان ایران و اسرائیل، اکنون وضعیتی شکل گرفته که از منظر نظامی، به ظاهر آرام و بی‌تحرک به نظر می‌رسد. بسیاری این وضعیت را «آتش‌بس» می‌نامند، اما در واقع، نه از منظر حقوقی و نه از منظر سازوکارهای عملیاتی، این شرایط را نمی‌توان مصداق کامل یک آتش بس تلقی کرد. آتش‌بس واقعی نیازمند کمیته ناظر، نیروی ضامن، پشتیبان حقوقی و چهارچوب مشخص نظارتی است؛ هیچ‌یک از این ارکان در وضعیت فعلی میان ایران و اسرائیل وجود ندارد. آنچه اکنون برقرار است، صرفاً یک «پذیرش دوقانگه» از توقف عملیات خصمانه است: توافقی نانوشته که از زمانی پایدار خواهد ماند که طرفین آن را رعایت کنند.

## تنفس در میدان نظامی، تداوم در میدان امنیتی

اگرچه درگیری‌های نظامی به حالت تعلیق درآمده‌اند، اما تقابل در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اطلاعاتی همچنان در جریان است. جمهوری اسلامی ایران پس از تهاجم اخیر تالش کرده است در میدان بازآزدگی خود را بازآزایی کند، اما این بار برخلاف گذشته، دیگر نمی‌توان تنها به قدرت موشکی تکیه کرد. هرگونه اقدام نظامی پاسخ‌محور در آینده ممکن است به بازشدن دوباره جبهه جنگ منجر شود، در حالی

## گزارش

در روزهایی که تنش‌های نظامی میان ایران، اسرائیل و ایالات متحده به یکی از بحرانی‌ترین سطوح خود در دهه‌های اخیر رسیده، مقام‌های ایرانی نیز دیپلماسی خود را در بالاترین سطح از جمله در سازمان ملل متحد به کار گرفته‌اند. در واکنش به مواضع بی‌سابقه و ادعای مقامات ارشد اسرائیلی و آمریکا که مقامات ارشد جمهوری اسلامی را تهدید به ترور کردند، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان

## ضربه‌ای که موازنه را به هم زد



سید هادی کارشناس مسائل منطقه

در بحبوحه یک تقابل بی‌سابقه، آنچه به نام «آتش‌بس» از سوی برخی مطرح می‌شود، نه شباهتی به مفهوم کلاسیک آن دارد و نه نشانی از توافقی متوازن. آنچه عملاً رخ داده، نتیجه ضربه‌ای سنگین و پرهزینه به ساختار امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی بود؛ ضربه‌ای که با پرتاب موشک‌های ایرانی به قلب سرزمین‌های اشغالی آغاز شد و با هدف قرار دادن یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه به اوج رسید.

پایگاه «العید» در دوحه قطر، تنها یک مقر نظامی نبود. این مرکز فرماندهی، قلب تپنده ستاد مرکزی نیروهای آمریکایی در غرب آسیا (سنتکام) بود؛ جایی که از آن، عملیات نظامی، مأموریت‌های جاسوسی، هماهنگی‌های امنیتی و حملات پهپادی و موشکی مدیریت می‌شد. به گفته برخی کارشناسان نظامی، همین پایگاه نقشی کلیدی در حملات اخیر آمریکا به سایت‌های حساس اتنی ایران از جمله نطنز، اصفهان و فردو ایفا کرد؛ از جمله حملاتی که برخی از آنها با موشک‌هایی شلیک‌شده از زیردریایی انجام شد. پاسخ ایران، سریع، سخت و دقیق بود و به فاصله کوتاهی پس از آن، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در تماس با امیرقطر، از او می‌خواهد با ایران تماس بگیرد و درخواست توقف عملیات نظامی کند. اما این «توقف» چیزی شبیه به آتش‌بس نبود؛ نه گفت‌وگویی انجام شد، نه توافقی شکل گرفت، نه شروطی روی میز آمد. آنچه مطرح شد، بیشتر شبیه یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود. در واکنش به ضربه‌ای که می‌توانست دامنه‌اش به سایر پایگاه‌های آمریکا در منطقه هم گسترش یابد و کنترل اوضاع از دست کاخ سفید خارج شود. نیروهای مسلح ایران، همچنان در وضعیت آماده‌باش هستند و این موضع نیز بارها از سوی مقاماتی چون سید عباس عراقچی و سایر مسئولان تکرار شده است. آنها تأکید کرده‌اند که نباید قریب عملیات روانی، فضاسازی رسانه‌ای یا ادعاهای دروغین درباره سلاح‌های پیشرفته ناتو و کمک‌های نظامی جدید به رژیم صهیونیستی را خود. در فضای ملتهب امروز، برخی تحلیلگران در سرزمین‌های اشغالی اذعان دارند که تاب‌آوری اسرائیل در برابر توان موشکی ایران از یک ماه فراتر نمی‌رود. حتی در خوشبینانه‌ترین سناریوها، دوره تحمل رژیم صهیونیستی در برابر حملات مستقیم، بیشتر از ۱۴ روز بیش‌بینی نمی‌شود. این همان چیزی است که ممکن است شرایط را از یک جنگ محدود به تقابل فرسایشی بکشد؛ جنگی که از نظر ضربه ریسک و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی، برای طرف مقابل به مراتب پرهزینه‌تر خواهد بود. فرماندهان نظامی ایران بارها اعلام کرده‌اند که تنها بخشی از ظرفیت تسلیحاتی کشور رونمایی شده است. موشک‌هایی در زرادخانه ایران وجود دارد که با نقل از شهید حاجی زاده، توان بازآزدگی آنها به‌گونه‌ای است که نه در دو سال آینده، بلکه شاید تا یک دهه بعد هم قابل مقابله نباشد. در چنین وضعیتی، هرگونه ماجراجویی از سوی دشمن، بیشتر شبیه دست‌پا زدن در لحظه غرق شدن است. اگر آنها بخواهند وارد جنگی تمام‌عیار شوند، به‌وضوح به مرحله استیصال رسیده‌اند و در آن صورت، پاسخ ایران، نه تنها سخت‌تر، بلکه غیرقابل بازگشت خواهد بود.



## کارشناسان

## نظامی و

## دیپلماتیک

## براین باورند

## که آتش‌بس

## فعلی، بیش

## از آنکه

## محصول یک

## توافق پایدار

## باشد. نتیجه

## بازآزدگی

## موشکی ایران

## و ملاحظات

## سیاسی در

## تل‌آویو و

## واشنگتن

## است



تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های امنیتی، دیپلماتیک و نظامی و همچنین پرهیز از دوگانگی در روایت‌ها و مواضع رسمی که می‌تواند باعث ارسال سیگنال‌های اشتباه به طرف مقابل شود. ایران باید بداند که نبرد آینده ممکن است نه در تل‌آویو و حيفا، بلکه در نیویورک و وین، در صحن علنی شورای امنیت یا پشت درهای بسته کنفرانس‌های منطقه‌ای رقم بخورد. آزمون آینده، نه فقط در میدان نبرد بلکه در میدان خبر نتوانست نقش بی‌طرف ایفا کند؛ دوم، ایجاد ائتلاف‌های بازآزده با قدرت‌های منطقه‌ای که تهدید ایران را تهدید به ثبات منطقه تلقی کنند و سوم، پیگیری حقوقی و تبلیغاتی نفوذ منشور ملل متحد توسط آمریکا و اسرائیل، به ویژه در موضوع تهدید به ترور مقامات ایران. اما هیچ راهبرد خارجی بدون اجماع داخلی موفق نمی‌شود.

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

## دوستان

نشان دهد که ایران در عین توان دفاعی، همچنان خود را مقید به قواعد بین‌المللی می‌داند، هرچند که این قواعد گاه از سوی مدعیان اصلی آن، نادیده گرفته می‌شود. در شرایطی که در آن خطوط قرمز حقوق بین‌الملل هر روز بیش از حد فروخته می‌شود، پیش‌خاکستری می‌شوند، دیپلماسی خواهان دانه، نه تنها آزمونی برای ایران، بلکه آزمونی برای اعتبار نظم بین‌المللی در سال‌های پرتنش اخیر خواهد بود.



در فضای میدان پاسخ مقتدرانه موشکی و نظامی باعث ایجاد موازنه و عقب‌نشینی طرف مقابل شد. در دومی، هدف رویکرد دیپلماتیک آن است که تهدیدات را به یک سند رسمی مسئولیت‌آور تبدیل کرده و

## درخواست

## ایران از سازمان

## ملل روشن

## است: تهدید

## به ترور رهبران

## کشورها نباید در

## سیاست جهانی

## عادی‌سازی

## شود. تهران

## خواهان

## محکومیت

## رسمی این

## اظهارات است